📖 سناریوی فرضی:

- شخصی در زندانی عظیم متولدمی شود و پس از طی کردن دوران‌کودکی اش، به او میگویند: این زندان تمام‌آن چیزی است که وجود دارد. چیزی بیرون از زندان نیست. جز فضایی‌بی کران. جایی برای رفتن نیست.
(منظور از جایی برای رفتن نیست: بیرون از فضای فیزیکی)

- او، از روی عدم آگاهی، و چون باحافظه ی پاک شده در زندان متولد شده است، وخاطره ای از جای دیگری قبل از ورود به زندان ندارد، این‌روایت ها را باورمی کند. دلیلی ندارد شک کند. چرا باید والدینش و معلمان، رسانه وهمه ی اطرافیانش به او دروغ بگویند که زندگی فقط‌همین جاست؟

- بزرگ‌می شود و به سن بلوغ‌می رسد. اما تمام این مدت چیزی درون او وجود داشته ومی دانسته زندگی جای دیگریست. در زندان مشغول کارمی شود و مثل دیگر زندانیان درآمد کسب می کند. اما همیشه احساس َخَفقان و غربت را احساس‌می کرده است. از همین روهیچ وقت مثل دیگر زندانیان، عطِش دیده شدن، ثروت و شوق و ذوق بودن در زندان را نداشت. همیشه در او حِس غربت و عدم تعلق موج میزد.

- بر خلاف دیگران، همیشه احساس‌می کرد که در زندان است، و هیچ وقت‌انگیزه ای برای بودن در زندان و پرداختن به کارهای تکراری در زندان را نداشت. بعد از مدتی، والدین او با دیدن

افسردگی اش، به اومی گویند:

«تو داری عمرت را (در زندان) هدرمی دهی، چرانمی توانی مثل بقیه باشی؟»

📚 داستانِ زندگیِ زمینی و زندانیانِ «انگشت شماری» که این سناریو با آنها ِرزونانس خواهد کرد. آنهایی که همیشه‌می دانستند به این جهان تعلق ندارند.

زمین قلمروی شیطان

جهان را تئاتری فرض کنید که یک کارگردان دارد. تمامِ بازیگرانِ این تئاتر، در راستای یک سناریو، نقِشِشان را اجرامی کنند. هرچقدر هم روی استیج یکدیگر را کتک بزنند، پشِت صحنه تمرین‌کرده اند. تمامِ دشمنی های آنها روی استیج، فیک است. از قبل تمرین شده است، هماهنگ شده است.

این تنهااصلی ست که باید متوجه شوید، همه، در قلمروی شیطان(زمین)،هم پیمان هستند، برای شما نقش بازی‌می کنند. دشمنی های مصنوعی ایجادمی کنند. خودشان به خودشان حمله می کنند. تابهانه ی کشتار جمعی و تولید رنج را بدست آورده و پشِت "دفاع به حق" قایم شوند. همه باهمند. استیج یک صحنه گردان دارد. کسی که‌چهره اش را اصلانديده اید، صدایش را نشنیده اید، کسی که اصلا انسان نیست. هوشمندی‌منفی ست. هزار چهره است. بازیگران این صحنه،عروسک های‌خیمه شب بازی

هستندهیچ کاره اند.صحنه گردان، پشِت پرده مخفی شده است و از پشِت پرده بازی‌می کند. زمین، استیِج اوست. زمین، مالِکش شیطان است. همه باهمند. هدِف کسی که به چنین آگاهِی عمیقی رسیده باشد، نباید تحلیِل‌سایه های روی دیواِر غاِر افلاطون باشد. هدف باید آگاه کردن دیگر زندانیان به این حقیقت و خروج از غار باشد.

زندگی جای‌دیگری ست

📖 نظر انجیل در این باره چیست؟

- "شیطان که خدای این جهان است، ذهِن کسانی را که ایمان ندارند کور کرده است."

https://www.bible.com/bible/116/2CO.4.4.NLT

- "شیطان فرمانروای این جهان است."

https://www.bible.com/bible/116/JHN.12.31-32.NLT

- "تماِم دنیا تحِت کنترل شیطان است."

https://www.bible.com/bible/116/1JN.5.19.NLT

● "من نور رامی سازم و تاریکی رامی آفرینم، صلح‌می کنم و َشرّ را می آفرینم. من خداوند،همه ی این کارها را انجام‌می دهم."

https://www.bible.com/bible/1/ISA.45.7.KJV

⚠️ سلسله مراتب مختص به یک سیستم‌اهریمنی ست

📍 اگر شاه دارید، بطور اتوماتیک رعیت هستید.
📍 اگر رهبر دارید، بطور اتوماتیک گمگشته هستید.
📍 اگر لیدر دارید، بطور اتوماتیک‌دنبال کننده هستید.
📍 اگر استاد دارید، بطور اتوماتیک شاگرد هستید.
📍 اگر حاکم دارید، بطور اتوماتیک محکوم هستید.
📍 اگر ارباب دارید، بطور اتوماتیک برده هستید.
✅ و اگر خدا دارید، بطور اتوماتیک بنده هستید.

🔑 این کلید آزادِی روحِ شماست. خود اختیاری، خودیوی، استقلال، فردیت، خود استواری، نداشتن نگاه از پایین به بالا.

❌ سلسله مراتب مختص به یک سیستم‌اهریمنی ست.

به آیه زیر از انجیل دقت کنید:

بارور شوید (پر سود، پربار، پر محصول) و تکثیر کنید (زاد و ولد، تولید مثل) و زمین را پر کنید و به آن چیره شوید

📖 پیدایش 1:28

در این آیه از دو واژه Fruitful و Multiply استفاده شده است. واژگانی که در کشاورزی، بسیار مورد استفاده قرارمی گیرند. همانطور که زمین، برای کشت و برداشت انسان مفید است، تکثیر شدن انسان نیز برای "خدایان" Fruitful،میوه دار، ُپر سود و ثمر بخش است. چرا از این واژگان استفاده شده است؟

اگر دقت کرده باشید، تولید مثل به ارضای جنسی زنان اهمیتی نمی دهد. این طراحی به‌گونه ای بوده، که مرد، کشش جنسی بیشتری داشته باشد، و به تولید مثل سوق پیدا کند. اگر غیر از این بود نیازی نبود عاملی برای تولید مثل ایجاد کنند: (شهوت، لذت، کشش جنسی)

🔴 چرا اوج لذت جنسی و تولید مثل در یک راستا هستند و به هم گره خوردند؟

جواب: به تولید مثل شما نیازداشته اند.

🔴 جدا از این موضوع، چرا مردان‌نمی توانند ارگاسم خود را کنترل کنند؟

بیشتر مردان حتی‌نمی توانند در آن لحظه، عمِل رابطه جنسی را متوقف کنند، چه برسد که بتوانند جلوی خارج شدن اسپرم را

بگیرند. (عدم کنترل بر روی بدن و تحت جبرِ پروگرام بدن قرار داشتن)
برای ارگاسم، بدون خارج شدن اسپرم بایدماه ها یا شایدسال ها تمرین کنید تا شاید تکنیک تانِتریک را یاد بگیرید.

اما چرا؟، چرا برای همان 6 ثانیه لذت، شما را ناگزیر به تکثیر کرده اند؟

جواب: به تولید مثل شما نیازداشته اند.

چرا جبر؟ چراپروگرام های جسمی و ذهنی؟ چرا اینقدر اصرار به تولید مثل؟ چرا لذت با تکثیر ادغام شده است؟ آن هم لذتی 6 ثانیه ای. بیشتر شبیه به یک توهین تمسخر آمیز است. انگشتِ کوچکِ پایتان به‌لبه ی میز برخورد کند، دردش یک ساعت با شما خواهد بود، آنوقت اوج لذت جنسی، 6 ثانیه است.

⚠️ این داستان سِر دراز دارد. باشد برای آنهایی که هنوز عقلشان به زوال نرفته است و دوزاریشان کج نیست. خودشان خواهند فهمید کجا هستند.

⚠️ سناریوی فرضی (داستان انسان و زندگی زمینی)

فرض کنید شماثروتمند ترین مرد جهانید. روزی یک دزد شرور با هزار دوز و کلک وارد خانه شمامی شود، و با ضربه به سر، حافظه

تان را پاک‌می کند. دزد شرور وقتی بیهوش شدید، با ثبت اثر انگشتتان روی سنِد جدید، تمام اموال ودارایی ها و املاکتان را به نام خودش‌می زند. بعد از مدتی بیدارمی شوید و هنگامی که نمی دانید کجایید، چه کسی هستید، و از گذشته و حال‌بی خبرید، دزد شرور به شما میگوید:

شما برده من هستید. باید هر روز درخانه ام مشغول به نظافت و خدمت به من (حاکم) باشید تا شاید لطف کنم و شما را کمتر شکنجه کنم. شما در قصر من هستید تا خودتان را به من ثابت کنید. اینجایید تا بیاموزید و بهتر شوید. اگر خوب بودید، آخر سال شما را به یک سفر خواهم فرستاد تا در نهری که در انتهای باغ است شنا کنید و ازمیوه های درخت باغ بخورید و استراحت کنید.

مرد ثروتمند که اکنون برده دزد شرور است، به دست و پای او افتاده و از فرصتی که در اختیارش قرار داده شده، از او سپاسگزاری‌می کند.

چند ویژگی که نشان‌می دهد زمین یک قلمروی جهنمیست:

- ده هزار بیماری برای انسان ثبت شده است.

- بلایای طبیعی جان هزاران نفر را سالیانه‌می گیرد.

- بدن انسان بسیار محدود، باپایانه های عصبی فراوان برای تجربه درد طراحی شده است.

- طراحی طبیعت به گونه ایست که جانداران گزینه دیگری جز دریدن و تکه پاره کردن یکدیگر ندارند.

- انواع و اقسام حشرات که ناقل بیماری هستند باعث مرگ و میر میلیون ها نفر در سراسر جهان‌می شوند.

- هزاران نوع انگل شناسایی شده که از میزبان تغذیه‌می کنند تا جایی که جان او را بگیرند و یا او را دچار بیماری های لاعلاج کنند.

- ذهن انسان بسیار محدود است.

- طیف بینایی انسان 380 تا 700 نانومتر است. یعنی 99.8 درصد آنچه اطراف ما وجود دارد قابل رویت نیست.

- طیف شنیداری انسان 20 هرتز تا 20 کیلوهرتز است. این بدان معناست که انسان به معنای واقعی کور و کر خلق شده است.

- انسان با حافظه پاک شده، بی خبر از همه جا پا به جهان می گذارد. پاک کردن حافظه یک موجود ذی شعور نوعی شکنجه روانی/روحی است. هیچ کس روی زمین‌نمی داند از کجا آمده و چه شد سر از اینجا درآورد.

- انسان از بدو تولد تحت شستشوی مغزی قرارمی گیرد. بسته به اینکه کجا بدنیا بیایید، عقاید تحمیلی به شما متفاوت خواهد بود.

- زمین اردوگاه کاِر اجباریست.چاره دیگری جز کار کردن و تقلا برای بقا ندارید.

- به انسانگزینه ای در جهت ترک زمین بدون آسیب به خود و دیگران داده نشده است. (جبر در ماندن و تحمل کردن)

- هیچ قوم متعالی در تاریخ دیده نشده است. تا بوده حکومت قدرت ها بر انسان و تحمیل رنج و آسیب وجنگ های مهندسی شده بوده است. (مهندسی شده برای رنج)

- انسان در نیاز مطلق بدنیا میاید و اغلب در هنگام نیاز هلاک می شود. همه چیز در زمین فرسوده شده، ضعیفمی شود و از بین می رود.

- انسان مستعدبیماری هایروانی ست.زخم های عاطفی، آسیب های روحی در کودکی معمولا تا پایان عمر با فرد همراه خواهند بود.

و از همه مهم تر:

- هر موجودی روی زمین برای زنده ماندن، مجبور است جاِن موجوِد دیگری را بگیرد.

آیا جهنم حتما باید آتش بی وقفه و مذاب باشد؟

نهایت خوشبختی در زمین

خوشبختی،آن گونه که در زمین به تصویر کشیده‌می شود، مفهومی ست ساختگی...
در این قلمرو، خوشبختی نه بر پایه حقیقت، که بر اساس برنامه ریزی و الگوهای تحمیلی شکل‌می گیرد.

در بهترین حالت

شمابه موقع به دنیامی آیید...
به موقع بزرگ‌می شوید،
به موقع تحصیل‌می کنید،
به موقع سِر کارمی روید،
به موقع ازدواج‌می کنید،
به موقع‌بچه دارمی شوید،
به موقع پیرمی شوید،
و در نهایت...به موقع‌می میرید.

و این، نهایت خوشبختی در زمین شمرده‌می شود!

اما حقیقت چیست؟
زمین، یک قلمروخسته کننده،مستهلک کننده، و پر ازچرخه های بی پایان وتکراری ست...
زندگی روی زمین، بیش از آنکه آرامش باشد، دوندگی میان رنج و

سردرگمی ست.

شما در رأس زنجیره غذایی نیستید، کسی یا کسانی از رنج شما تغذیه‌می کنند.
رنجی که گاه از آن‌بی خبرید،
و گاه به آن عادت‌کرده اید.

انسان، همیشه خوراکی برای سیستم بوده؛ خوراکی از جنِس انرژی، انسان در ظاهر متمدن، و در باطن‌زندانی ست.

از این رو باید با صدای بلند گفت:
زندگی جای‌دیگری ست.
نه در این چرخه تکراری،
نه در این‌نقشه ی ازپیش چیده شده...

زمین، قلمروی‌جهنمی ست

🎭 امیدهای واهی و تناقض درحرف های افراِد امیددهنده

در دنیای امروز، امید فروخته‌می شود...
نه از جنس حقیقت،
بلکه از جنِس فریب.

برخی افراد، با لباس موفقیت، پشت‌تریبون هایی پرزرق وبرق

می ایستند
و سمینارهایی برگزارمی کنند که در آن،
«راه رسیدن به استقلال مالی»
و «ساختن‌آینده ای درخشان» را آموزش‌می دهند.

اما آیا تابه حال دقیق گوش‌داده اید؟
جملات‌آن ها، پر است از تناقض.

💬می گویند:
"شما باید برای خودتان کار کنید... دیگران باید برای شما کار کنند..."

❓سؤالی ساده اما عمیق:
اگر همه بخواهند رئیس باشند،
پس‌آن هایی که باید "برای شما" کار کنند چه کسانی هستند؟
چه کسی نقش آن نیروی‌همیشه زیر دست را بازی خواهد کرد؟
آیا این‌حرف ها واقعًا برای نجات شماست، یا فقط برای پُر شدن سالن و حساب بانکیِ گوینده؟

⚠️ این جهان، ساخته شده تا خِرَد شما تحقیر شود.
از شما پرسش‌نمی خواهد،
اطاعت‌می خواهد...

اصلًا چرا کارمی کنید؟

پاسخ ساده است: برای بقا.

❓اما این سؤال، باید شما را متوقف کند:
اگر خالق این جهان، مهربان وبی نیاز است،
آیانمی توانست دنیایی بسازد که برای‌زنده ماندن، نیازی به دویدن بی پایان درچرخه ی‌فرساینده ی "کار و درآمد و بقا" نباشد؟
آیا مردم، حتی یک ثانیه واقعًا زندگی‌کرده اند؟
یا تمام عمر، صرف بهتر کردن وضعیتی شده که مدام بدتر شده؟

چه شد که "زندگی" تبدیل به‌پروژه ای شد که پایانش نه بهبود، بلکه فرسایش است؟

طرح دوم چه بود؟
چرا از آن استفاده نشد؟
و اگر خالق‌بی نیاز است، نیاز را از کجا آورد؟

🧠 یک ذهن متفکر و کنجکاو، از پرسیدن این‌پرسش هانمی ترسد.
و از آنچه "امید" نام گرفته، اما برپایه ی توّهم و ناآگاهی ساخته شده، بیزار است.

درگیرسایه های روی دیوارِ غارِ افلاطون نشوید...
نوری در کار نیست،
تا زمانی که از غار بیرون نروید.

اینجا برای زندگی نیست...
اینجا برای خورده شدنِ روحِ شماست...

🧥لباس های فرم، لزومِ وجودِ آن، مُد و فریبِ همسان سازی

لباس های فرم راهمه جامی بینیم،
بی صدا، اما عمیقاً گویا.

- لباس فرم مدرسه
- لباس فرم زندان
- لباس فرمفروشگاه ها و مراکز خدماتی
- لباس فرمرستوران ها وهتل ها
- لباس فرم ادارات و نهادهای دولتی

و فهرست همچنان ادامه دارد...

❓اما آیا تا به حال ایستاده اید و فقط فکرکرده اید که چرا؟
لزوم این یک دستیِ پوششی چیست؟
چرا سیستم این چنین بر آن تأکید دارد؟

جواب ساده اما تلخ است:
همسان سازی، محدودسازی، و نظمِ مصنوعی برای پیشبرد اهدافی پنهان.
<u>در حالی که ذاتِ ما منحصر به فرد و متنوع است.</u>

لباس های فرم‌آمده اند تا ما را یکی نشان دهند،
در حالی که ما هرگز یکی‌نبوده ایم.

نه ازیک جاآمده ایم،
نه به‌یک جا خواهیم رفت.
"ما" وجود ندارد...

و هدف از این‌هم شکلی، فراموشی همین حقیقت است.
تابارقه ی‌روح ها خاموش شود،
و تنها چیزی که باقی بماند،
یک ارتش ازسیاهی لشکرهایی باشد که برای اهداف سیستم
ماتریکس کارمی کنند.

🎭سیاهی لشکرها کیستند؟
آن هایی که‌می پذیرند، اطاعت‌می کنند، و حتی سوال‌نمی پرسند.
نه از سر نادانی، بلکه از سر انکار.
بسیاری ازآن ها زمانی‌روح هایی آزاد بودند،
اما در مسیر، به موجوداتی مطیع تبدیل شدند.
یا شاید، هرگز "روح" نبودند... بلکه طراحی‌شده اند برای‌آن که این
جهان را برای‌روح های حقیقی "عادی" جلوه دهند. جهانی که هرگز
عادی و نرمال نیست.

(اگر انیمیشن Soul (روح) را دیده باشید، درک این ساختار
آسان تر خواهد بود.)

👗 اما فریب فقط با فرم نیست...
مُد نیز ابزار خاموش‌دیگری ست.

نگاه کنید:

- مدل های مو تکراری و مشابه
- لباس هایی که "باید" پوشید چون رایج‌شده اند
- کفش هایی که "باید" داشت چون‌سلبریتی ها آن را دارند
- برندهایی که شما را "مقبول تر" نشان‌می دهند

وکم کم...
فرد،
فرد نیست.
شده است‌نسخه ای دیگر از هزاران‌نسخه ی مشابه.

<u>خودیوی، استقلال، تفکر شخصی، اراده مستقل و انتخاب آگاهانه از بین‌می رود...</u>
و جایش را به پیروی کورکورانه‌می دهد.

و باز هم‌می گویم:
درگیرسایه های روی دیوارِ غارِ افلاطون نشوید...
اینجا برای زندگی نیست.

زندگی جای‌دیگری ست.

📚 بزرگترین منبع‌گزارش های نزدیک به مرگ

🔗 لینک سایت
https://nderf.org/

✅گزارش هایی که پیشنهادمی کنم شما هم مورد بررسی قرار بدید:

- Near Death Experience (NDE)
- Shared Death Experience (SDE)
- Life between Life (LBL)
- After Death Communication (ADC)
- Premonitions
- Pre-Birth Memories
- Past Life Regression
- Astral Projection Stories
- Out Of Body Experience
- Reincarnation corroboration

🔴 اگر مسلط به زبانِ خاصی نیستید،می توانید زبان سایت را روی "فارسی" تنظیم کنید و یا لینک هر گزارش را به یکی از هوش های مصنوعی برای ترجمه بدهید.

⚠️ توجه کنید این‌گزارش ها فقط بیاِن ساده افراد ازتجربه شان است. بررسی عمیق این موضوع را درپست های آینده قرار خواهم داد.

⚠️ منجی دروغین

چگونه ممکن است در جهانی «نرمال» بتوان‌پیش بینی های هزاران ساله داشت؟
آیا یک جهان واقعی و آزاد، تا این اندازه‌قابل محاسبه است که آینده آن از پیش نوشته شده باشد؟

اتفاقات ناگوار،جنگ ها،بیماری ها وبحران ها پیوسته در حال افزایش است.
اما پرسش اصلی اینجاست: واقعًا چه زمانی قرار است آن منجِی وعده داده شده ظهور کند؟
❗️ومهم تر از آن: اگر همه این ماجراها، حتی ظهور یک منجی، تنها بخشی از یک فریب بزرگ باشد چه؟

بیاییدعمیق تر فکر کنیم.
اگر حتی یک منجی هم ظهور کند، چه تضمینی وجود دارد که او برای نجات بشر آمده باشد؟
از کجا مطمئنید که او با نیروهای تاریکی یکی نیست؟
شاید این‌نقشه ای ازپیش تعیین شده باشد برای اسارت‌ذهن ها و تسلیم‌روح ها.

فراموش نکنید، در یک جهان واقعًا نرمال، آینده‌قابل پیش بینی نیست.

تقریبًا تمام ادیان و مکاتب، با وجود اختلافات عمیق، در یک موضوع‌هم صدا هستند: **ظهور منجی**. آیا این هماهنگی تصادفی ست؟ یا بخشی از همان‌نقشه ای که باید به آن شک کرد؟

شما باید حقیقت را به یاد آورید:
منجی واقعی شمایید.
مسیح واقعی شمایید.
نجات دهنده واقعی، خودِ شمایید.

❌ فکر کردن به چیزی و محقق شدن آن؛ دروغ سیستم است

به شماگفته اند اگر به چیزی زیاد فکر کنید، همان محقق‌می شود.
این نگرش ازدروغ های استادان‌به ظاهر معنوی سرچشمه‌می گیرد.
هدفشان ساده است: **سرگرم کردن شما با امیدهای واهی به چیزی که شاید هرگز رخ ندهد.**

اگر هم‌شنیده اید که برای‌عده ای چنین چیزی محقق شده، شک نکنید که آن صرفًا ابزاری بوده برای جذب اعتماد و ادامه فریب.
حتی اگر خودِ شما هم به موفقیتی رسیدید، باز هم جای تعجب ندارد؛ چرا که سیستم ماتریکس به مطیعان وفرمان برداران امتیاز

می دهد، نه به کسانی که عمیق‌می اندیشند، حقیقت را موشکافی
می کنند و پرده ازفریب هابرمی دارند.

❓یک پرسش عمیق این دروغ را زیر سؤال‌می برد:
در سراسر جهان،میلیون ها انسان فقیر و گرسنه تنها به غذا و رفاه
فکرمی کنند.
پس چرا همان چیزی که بیش از هر چیز به آن‌می اندیشند،
نصیبشان‌نمی شود؟
مگر قرار نبود "به چیزی که فکر کنی، همان‌می شود"؟

اینجاست که باید متوجه شوید تا چه حدذهن هایتان‌شست وشو
داده شده تا حتی به چنین تناقضی ساده فکر نکنید.

🙏 من‌هیچ گاه اصراری ندارم که همه چیز رامی دانم، و هرگز
اصراری ندارم کسی‌حرف های من را تأیید کند.
هدفم تنها یک چیز است: تلنگر زدن به کسانی که همیشه
می دانستند یک جای کارِ این جهان‌می لنگد.

⚠️ بدانید: من فقط‌می توانم بخشی از حقیقت را نشان دهم.
امانمی توانم به جای شما فکر کنم.
این شمایید که باید تصمیم بگیرید کدام چیز درست است و کدام
دروغ.

💰 پول؛ ابزاری برای رنج بشر

❓*تا به حال اندیشیده اید پول چیست و چگونه ایجاد شد؟*

پول ساخته ی دست سیستم های تاریکی همچون **فراماسونری** و **ایلومیناتی** است؛ ابزاری برای کنترل بشر و منحرف کردن ذهن او از حقیقت. هدف این بود که انسان هیچ گاه فرصتی برای تفکر نداشته باشد و همواره درچرخه ی بی پایان کسب درآمد و زندگی مادی گرفتار شود.

🔶 پول های کاغذی
چیزی جزتکه ای کاغذ نیستند؛ با رنگ و لعاب،نوشته ها و هولوگرام ها. به شما القامی شود که ارزشمند است،درحالی که ذاتًا هیچ ارزشی ندارد.

🔶 کارت های بانکی
صرفًامجموعه ای ازداده های کامپیوتری هستند؛داده هایی که کاملًا قابل دستکاری و بدون هیچ محدودیتی اند.

اما پرسش اساسی اینجاست:
اگردولت ها واقعا برای خدمت به مردم اند، چرا با وجود امکان چاپ بی پایان پول و یا دستکاری ساده ی داده های مالی، اقدامی برای رفاه عمومی و رفع فقر انجام نمی دهند؟

✅ پاسخ روشن است:
آن ها به رنج شما نیاز دارند. از طریق رنج، انرژی روح شما

استخراج می شود.
آن ها پول را چاپ می کنند،داده های مالی را کنترل می کنند، و هرگز به دنبال رفاه و آسایش شما نبوده، نیستند و نخواهند بود.

⚠️ در یک جهان نرمال، هیچ تلاشی برای بقا وجود ندارد.
شما بیرون از این بدن، موجودی بی نیازید؛بی نیاز از خوردن، آشامیدن و نیازهای َپست جسمانی.

✨ رفاه، آسایش، آرامش، امنیت و آزادی؛
همه بیرون از این قلمروی جهنمی یافت می شوند، نه درون آن.

❌ دروغی به نام کارما

بسیاری از مردم به کارما باور دارند. همان جمله معروف:
«از هر دست بدهی، از همان دست پس می گیری.»

❓ *اما آیا واقعًا چنین است؟*

ما در جهانی زندگی می کنیم که ظلم های بی پایان توسط افراد بانفوذ،سیاست مداران و صاحبان قدرت هر روز تکرارمی شود. با کمی دقت می بینیم این افراد بدون هیچ مجازات یا دردسری، در رفاه زندگی می کنند و در نهایت نیز در آرامش می میرند.
پس کارما برای چه کسانی کارمی کند؟
به نظرمی رسد تنها برای افراد عادی، و حتی در بسیاری موارد برای

آن ها هم درست عمل‌نمی کند.

شاید برخی بگویند: «نتیجه اعمالشان را در دنیای دیگر می بینند.»

اما بهشت و جهنمی وجود ندارد؛ و حتی اگر هم وجود داشته باشد، چه نفعی برای کسانی که اینجا قربانی ظلم شدند دارد؟

یا این توجیه رایج: «درتناسخ های بعدی نتیجه اعمالشان را خواهند دید.»

تناسخ وجود دارد، امانمی تواند پاسخی‌قانع کننده به این مسئله باشد. چراکه پرسش بنیادین همچنان باقی‌می ماند:

❓شَرّ از کجامی آید و تا کجا ادامه خواهد داشت؟

📌 مثالی ساده:
تصور کنیددختربچه ای قربانی آزار ناپدری خودمی شود. طبق نظریه کارما، در چرخه بعدی زندگی، جای قربانی و آزارگر عوض می شود. اما در نتیجه، این چرخه بارها و بارها تکرار خواهد شد.
پرسش مهم اینجاست:

این رنج و تکرار تا کجا ادامه پیدامی کند؟
آیا این پاسخ عادلانه است یا صرفًا توجیهی برای ادامه یافتن َشرّ؟

⚠️ به نظرمی رسد «کارما» بیش از آنکه واقعیت باشد، ابزاری برای تبرئه کردن َشرّ و فریب ذهنِانسان هاست تا َشرّ بتواند آزادانه جولان دهد.

«پس فریب کارما را نخورید.»

🔥 بهشت و جهنم؛ دو مفهوم ساختگی

با کمی دقت‌می توان‌نقص های بزرگی در مفاهیم «بهشت» و «جهنم» پیدا کرد.

🌿 بهشت
وعده های ادیان درباره بهشت:

- خوردن شراب وخوراکی های خوشمزه
- انواع‌میوه های دلپذیر
- حوریان بهشتی (که اغلب زن توصیف‌می شوند)

🔎 اما این‌وعده ها پر از تناقض است:

- ما روح یا آگاهی هستیم و بعد از مرگ از بدن فیزیکی رها می شویم. روح نیازی به خوراک، شراب یالذت های جسمانی ندارد.

- اگر در بهشت دوباره به‌روح ها بدن داده شود، این همان تناسخ است؛ چیزی که ادیان ابراهیمی شدیدًا با آن مخالفت‌می کنند.

- حوریان بهشتی نقصی آشکار است. روح نه جنسیت دارد و نه نیاز جسمانی. حال اگر فرض کنیم چنین‌وعده ای واقعی باشد، تکلیف زنانی که نیکوکار بودند چه‌می شود؟ آیاآن ها هم «حوریان مرد» خواهند داشت؟

پس «بهشت» چیزی جز تصویری کودکانه برای سرگرم کردن ذهن ها نیست.

🔥 جهنم
ادیان از جهنم با این عناوین یادمی کنند:

- عذاب‌بی پایان
- آتش سوزان
- شکنجه مداوم

🔎 اما باز هم تناقض آشکار است:

روح جسم ندارد، و بدون جسم، آتش و شکنجه‌بی معناست. واژه «روح» صرفًابه دلیل نبودن‌کلمه ای‌دقیق تر استفاده‌می شود، در حقیقت ما آگاهی هستیم. پس این‌شکنجه های جسمانی دروغی بیش نیست.

🎭 فلسفه واقعی بهشت و جهنم

- بهشتوعده ای ست برای مشغول کردن ذهن و امید دادن به آینده ای خیالی.

- جهنمابزاری ست برای ترساندن انسان، تا همیشه مطیع بماند و انرژیروحی اش‌به راحتی استخراج شود.

⚠️ اما اگرعمیق تر نگاه کنید، جهنم واقعیهمین جاست: زمین.

- جایی که با لبخند، سرمی برند.
- جایی که‌رنج ها وسختی هایش پایان ندارد.
- جایی که امید و بارقه‌روح هاآرام خاموش‌می شود.
- جایی که‌همه چیز به مرگ و نابودی ختم‌می شود.

چه جایی بدتر از زمین برای نامیدن «جهنم»؟

✨ بهشت واقعی

بهشت، حالتی طبیعی و نرمال از بودن است؛ همان جایی که پیش از ورود به این قلمروی تاریک و جهنمی در آن بودیم.
آنجا که روح آزاد است،بی نیاز از بدن، وبی نیاز از تمام نیازهای پست مادی.

❌ پس فریب این دو مفهوم ساختگی را نخورید.





👆 یکی دیگر از مأموران سیستم همانند مزادفر مؤمنی
(حسین آئورا)

همه هم توسط سیستم تبلیغ‌می شوند. این‌گویا ترین،واضح ترین و ساده ترین روش برای شناخت مأموران است. سیستم در کمترین زمان‌آن ها را معروف‌می کند. الگوریتم یوتیوب تصادفی نیست چرا یوتیوب نباید مانند جریان رسانه اصلی، هدف و دستور کار نداشته باشد؟، آیا شما اینقدر ساده لوحید؟

این چیزی است که مردم‌می خواهند:
کلماِت ساده،دستورالعمل های ساده. حاِل خوب.چشم بندهایی محکم تا َسرها زیِر برف بماند، مبادا حقیقِت تلخ باعث شود اوخ شوید. زندانیانی که در زندان بدنبال تزئین دیوارها هستند و به دو وعده غذا و حیاِط زندان رضایت‌داده اند.

کسی که حرف از حقیقِت تلخ بزند، حرف از آزادی روح بزند، یا دیوانه است یا...

(ادامه پسِت بعد 👇)

وقتی زندان را تزئین‌می کنند، چشِم شما را به حقیقِت تلخ می بندند، زندان را آراسته‌می کنند،آن رامدرسه ای برای رشد روح می نامند و به شمامی گویند که خودتان خواستید با حافظه پاک شده متولد شوید تا بیاموزید. وقتی حسابی َخرِتان کردند و از

شما پول گرفتند اکنون زندان را در نگاِه شما قصری با شکوه جا می اندازند و این یعنی آمادگی شما برای مشارکت در زندان و سیستِم َشّر.

❓مشارکت به چه معناست؟
وارد کردن‌روح های دیگر به زندان (تولید مثل)، غافل از اینکه تنها چیزی که با تولید مثل برای فرزندتان گارانتی کردید: رنج، بقا،ُافول و مرگ است. خوشبختی و سلامتی برای‌هیچ کس اینجا گارانتی نیست.

هر گهواره یک مقبره است.

❓اگر اینجا قلمروی جهنمیست چرا لذت هم هست؟
چون قرار نبوده بفهمید در یک قلمروی جهنمی هستید. اگر می فهمیدید،جگرگوشه تان را واردش‌نمی کردید و این به نفع زندان بان (مزرعه دار) نیست. این یک سیستِم هوشمندانه است. احمقانه نیست. فریبستان است.

⚠️ معلماِن معنوی اینجا هستند تا چرخه تولید از کار نیفتد.

❓زمین مدرسه است؟
همین معلماِن معنوی که سمینار برگذارمی کنند تا میلیاردر شوند، تا بیایند و برای شما از لزوِم رنج صحبت کنند، اگر یک هفته غذا

نخورند از فرط گرسنگی زمین را گاز میزنند. وقتی به مرحله گاز گرفتن زمین برسند دیگر سمینار و مهار ذهن َتمَندی؟ 🤪، وقتی در حالِ پیچیدن به خودشان هستند به‌آن ها بگویید شما در جایگاهِ بالحقه خودتان هستید و با رنج در حال رشد معنوی و کمالید.

در جهانی که بر مبنای بقا طراحی شده است حرف از کمال زدن عقب ماندگی محض است. دیوانگیست.ُخل وضعیست.ِجن زدگیست.

وقتی گرسنگی باعث شود مشاعرتان از کار بیفتد، کمال «َتمَندی» 🤪؟

❓رنج سوخت اصلی بیداریست؟
اگر همسر و کودِک خردسالِ شما را جلوی چشم تان مورِد تعرض قرار بدهند و با چشِم خود ببینید که دخترتان از فرِط آسیب های روانیُ خل وضع می شود، اگر این حرم* زاده یا مزدافر مؤمنی بی **شرف، همان لحظه به شما بگویند باید این رنج را مشاهده کنی باید رنج را چشید...، واکنِش شما چه خواهد بود؟

⚠️معلماِن معنوی حرم* زادگان وماله ِکشان سیستم َشرّ هستند.

❌دردها ورنج ها ضروری نیستند و اصلا نباید وجود داشته باشند

استاداِن دروغیِن معنوی (ماله ِکشان سیستِم َشرّ) مدام اصرار دارند

که درد و رنج برای پیشرفت، رشد و کمال لازم وضروری ست، اگر هزار نوع تئوری َسِرهم نکنید و ژیمناستیِک ذهنی انجام ندهید، متوجه‌می شوید که این یک فریِب کاملا آشکار است.

⚠️ درد و رنج باعِث بیماری‌می شود نه کمال.
هزاران نفر در جهان توسط درد و رنِج‌تمام نشدنِی زمین، به آسیب های جبران ناپذیر روانی و جسمی دچار شدند و حتی‌عده ای کاِرشان به جنون و خودکشی نیز رسیده است. در یک جهاِن نرمال درد و رنج وجود خارجی ندارد و اصلا تعریف نشده.

💬 شاید بگویید «خب همیشه که این درد ورنج ها وجود ندارد.» موضوع این است که "اصلا نباید باشند".آن لذت های گذرا که از آن صحبت‌می کنید ُمَسِکن هستند، مرهمی‌موقتی اند و هرگز نمی توانند درد ورنج ها را به طور دائم از بین ببرند.

یک بار از خود سوال کنید، خالقی مهربان دقیقا چه جهانی را به شما تحویل‌می دهد؟

اگر یک نقاشی زشت باشد، ایراد ازقلم مو، بوم و رنگ است یا خوِد نقاش؟، به یک فرِد عاشق و همچنین به یک فرِد افسرده بگویید نقاشی بکشند، هرگز نقاشی این دو شبیه به هم نخواهد بود.

❓در آخر به این پرسش کمی فکر کنید:
اگر واقعا درد و رنج لازم است و باعِث رشد و کمال‌می شود، پس

چرا دائما در تلاش هستید که برای خودزندگی ای سرشار از آرامش، آسایش و رفاه فراهم کنید؟، چرا به دنبالِ ایجادِ درد و رنج نیستید که‌سریع تر به رشد و کمال برسید؟

👆این تناقض، خود پاسخ است.

نقص در طراحی خالق

جراحی های زیبایی، دستکاری در ژنتیک برای جلوگیری از نواقص مادرزادی در نوزاد و هر نوع اصلاحی که از رنِج بشر کم کند، برای یک خداپرسِت واقعی «باید» گناه کبیره محسوب شود.

اگر کسی با سندروم داون و سرطان خون وعقب ماندگی ذهنی یا فلج بدنیامی آید لطف شاملش شده. چرا که مگرمی شود خالِق مهربان به بشر رنج وارد کند؟

⚠️ مگر اینکه قبول کنید که طراحی نقص دارد و این دخالِت بشر است که‌می تواند این نقص را برطرف کند. چون خودِ طراح این توانایی را نداشته است. مگرمی شود طراح که خودش کامل است طرحی ناقص بکشد و اکنون همان طراحی ناقص، طرح ناقص را کامل کند؟

❓آیا ایرادی در این معادله‌نمی بینید؟

آیا غیر از این است که هدف، از عمد، تولیدِ رنج در انسان بوده است؟

تصور اینکه طراح‌نمی توانسته و این توانایی را نداشته که طرحی کامل ایجاد کند، مضحک وخنده دار است.

⚠️ دلخراش

تصاویری از طبیعت وجود دارد که فقط‌می توان در دارک وب آنها را منتشر کرد. آنقدر هولناک هستند که اگر ببینید شاید مشاعرتان را از دست بدهید.

برای نمونه:
گروهی از کفتارها، آهویی را شکارمی کنند و شروع به زنده زنده جویدنِ اومی کنند، یکی ازبیضه ها شروع‌می کند، دیگری از پا، یکی از صورت و دیگری از مقعد، آهویی که آنقدر فریادمی زند تا از حال‌می رود. درحالی که که قلب او که قابل رویت است هنوز در حال تپیدن است، اما نه پایی برایش مانده نه صورتی.

خدایی که‌می پرستید همان شیطان است. 99 درصد مردمِ این قلمروی جهنمی، شیطان پرست هستند.

⚠️ «عادت کردن به رنج،نشانه ی قوی بودن نیست، بلکه‌نشانه ی خاموش شدنِبارقه یِ‌روح هاست.»

بسیاری‌می پندارند چون در برابررنج ها مقاومت‌کرده اند، پس انسان های قوی ومحکم اند. اما این تصور یک خطای بزرگ است. رنج‌نه تنها قدرت‌نمی آورد، بلکه در طول زمان‌شعله ی روح را آرام آرام خاموش‌می کند.

بیایید با چند مثال این حقیقت تلخ را ببینیم:

- شمع و پروانه

در اشعار بارهاشنیده ایم، پروانه‌آن قدر گرد شمع‌می چرخد تا سرانجام‌بال هایش‌می سوزد و خاکسترمی شود. پرسش اینجاست: چرا باید پروانه به دوِر شمع بگردد؟ مگر نه اینکه این گردش، سرانجامی جز نابودی دارد؟

- حشرات و نور

بارهادیده اید که حشرات جذب نورمی شوند.آن قدر به تلاش و تقلا ادامه‌می دهند تا از نفس بیفتند؛ بعضی‌زمین گیرمی شوند و برخی حتی‌می میرند.

- انسان ها و غم

بیشترانسان ها نیز به نوعی جذب غم وسختی هامی شوند؛ یا آن را پلی به سوی موفقیت‌می بینند.نمونه ی‌ساده اش موسیقی غمگین است: وقتی حالشان بد است، غم بیشتری را از طریق موسیقی وارد خودمی کنند و سپس احساس بهتری پیدامی کنند؛ گویی رنج بیشتر، آرامش بیشتری به همراه دارد. این همانند فردی ست که زیر ضربات شلاق است؛ پس ازده ها ضربه، دردش به

بی حسی بدل‌می شود و حتی‌ضربه ها را چون نوازش حس‌می کند.

👆 این وضع، بسیار خطرناک است.

🔻جمع بندی:

▪️ پروانه و حشرات در نهایت با جذب نور، هلاک شدند. در بسیاری ازتجربه های نزدیک به مرگ هم، افرادگفته اند که به سوی تونل نور کشیده شدند و با عشقی‌وصف ناپذیرروبه رو گشتند. اما آن تونل نور، چیزی جز راهی برای بازگشت به‌چرخه ی تناسخ و رنج های بیشتر نیست؛ راهی برای مکیدن انرژی روح.

▪️ انسان هایی هم که هرگز رنج این جهان را زیر سؤال‌نمی برند، در حقیقت یاشعله ی روحشان رو به خاموشی است، یامدت هاست خاموش شده.

و بار دیگر باید گفت:
✨ نور و تاریکی، دو روی یک‌سکه اند. برای رهایی باید از هر دو گذر کرد.

⚠️ قطعی اینترنت و خاموشی سراسری

احتمال زیادی وجود دارد که درآینده ی نزدیک شاهد قطعی سراسری اینترنت وخاموشی های‌طولانی مدت باشیم. اما این اتفاقاتبه هیچ وجه‌بی هدف نخواهند بود؛ پشت‌آن هانقشه ای

بزرگ تر خوابیده است:

● حذف‌پول های کاغذی وکارت های بانکی
و جایگزین کردن‌همه ی‌آن ها با یک بانک دیجیتالی واحد. از آن پس، ارزش و دارایی شما دیگر دسِت خودتان نخواهد بود، بلکه با یک کلیک از سوی سیستِم مرکزی‌می تواند نابود یا مسدود شود.

●پاک سازی اینترنت از حقایق
به خصوص محتواهای افشاگرانه در یوتیوب و دیگرشبکه ها. با یک قطعی گسترده،همه چیز از نو بازنویسی‌می شود؛ تاریخ، واقعیت و حقیقت.

●مقدمه ای برای ایجاد یک حکومت جهانی
همان طرحی که "جورج اورِول"سال ها پیش هشدار داده بود: جهانی تحِت کنترل کامل.

به سیستمی فکر کنید که در آن تنها یک لایک، کامنت یا اعتراض ساده علیه دولت یا ساختار حاکم،کافی ست تا شما را برای ماه ها از خرید چند قلم کالای ضروری محروم کنند. این همان "بردگی دیجیتال" است که در راه است.

زمین یک استیج‌مسخره ست؛ یک سیرِک مضحک، اینجا جای زندگی نیست. زندگی، جای‌دیگری ست...

زمین، اردوگاِه کاِر اجباری

بزرگترین اردوگاه کار اجباریِ بی شک خودِ زمین (زندگی) است.

جایی که در آن مجبور به بقا هستید و برای بقا مجبور به کار کردن، دقیقا همانند اردوگاه کار اجباری که حتی‌نمی توان در آن ثابت و ساکن ماند و دست از کار کشید که مبادا شلاقی بر تن نحیفمان فرود آید.

در زندگی نیزنمی توان‌به راحتی و آزادانه بیخیالِ تقلا برای بقا شد. گشنگی و تشنگی و... نخواهند گذاشت شما چنین آزادانه و بی دغدغه دست به چنین اقدامی در زندگی بزنید، این دقیقا اردوگاه کار اجباریست، نه‌گزینه ی خروجی هست نه راه دیگری و نه به خواستِ خود به آن‌آمده ایم. آیامی توان چنین حقیقت تلخی را انکار کرد؟

⚠️نمی شود.
مگر آن که در ذات،سیاهی لشکر (بدوِن روح) باشید.

🐝 زنبورهای عسل

زنبورهای عسل، مثال خوبی برای‌انسان ها هستند، آنها مسیر طولانی را با خطرات فراوان طی‌می کنند، شهدگل ها رامی مکند و به کندومی آورند و ذخیره‌می کنند.

اما هرگز نه زنبورهای کارگر و نه حتی ملکه‌نمی دانند عسِل تولید

شده برای انسان هاست.

بیشترِانسان ها نیزنمی دانند هوشمندی دیگری، در حالِ تغذیه از آنهاست.

انسان هیچگاه در رأس زنجیره غذایی نبوده.









📝 لیستی از استادان دروغین معنوی که پیشنهادمی کنم اصلا بهشون اعتماد نکنید

- مزدافر مؤمنی
- حسین آئورا
- محمدرضا کاظمی
- عرفان مطور (در آلمان زندگی‌می کنه و چنل "راز موفقیت" در

یوتیوب رو مدیریت‌می کنه)

قبلا گفتم: معنویت با پول سازگاری ندارد، اگر معنویت فروخته شود دیگر ارزشی ندارد و اسمش تجارت است.
این افرادماله کشان و سفیدشویاِن سیستم ماتریکس هستند. اگر

دقت کرده باشید آنهاهیچ وقت‌نمی گویند زمین و بدِن فیزیکی زندانی برای‌روح هاست و شما بیرون از این جهان‌بی نیاز هستید.

❓چرا این حقیقت مهم رانمی گویند؟
جواب ساده است. چون زمینِ‌مزرعه ی‌روح هاست، مزرعه باید محصول دهد، شما انرژی و سوختِ هوشمندیِ دیگری را تأمین می کنید. شما آنقدر مهم هستید که این جهان با تمامِ متعلقاتش ایجاد شد تا انرژیِ روحِ شما ذره ذره مکیده شود و هوشمندیِ دیگر قوی تر گردد.

⚠️ حقیقت این است که خالِق این جهان به شما نیاز دارد نه شما به او. همانند فیلِم "نمایش ترومن". "کریستاف" بود که به "ترومن" احتیاج داشت.

✨ اگر هنوز کمی بارقه در روحتان وجود داشته باشد، این موضوع را درک خواهید کرد.

یک استاد دروغین دیگه



- یاشار اویسی (معروف به دکتر پیام)

❗البته ناگفته نمونه که ایشون در ابتدا شخصیت‌متفاوت تری داشت، مطالب زمین تخت و اسناد و مدارکش رو از ایشون بدست اوردم. به هرحال موارد خوب رو هم باید گفت ولی جدیدا زده تو جاده خاکی و مثل استادهای دیگه‌حرف های مضحک میزنه.

⚠️ در هر صورت مواظب باشید

- محال است فرد عادی باشید و در سیاست حضور پیدا کنید.
- محال است فرد عادی باشید وسلبریتی شوید.
- محال است فرد عادی باشید و بازیگرفیلم های بزرگسال شوید.
- محال است فرد عادی باشید و جلوی دوربین بروید.

👈 محال است...

تمامی افرادی که در سیاست، رسانه، تبلیغات، تکنولوژی و حتی معنویت حضور دارند و در کل شخص بانفوذ، مهم و معروفی هستند، عضوی ازسیستم اند و باید در آن جایگاه باشند چون قرار بوده که باشند.

زمین یک استیج است و یک‌صحنه گردان دارد. یک نمایش مسخره. دنیایی پر از دروغ و فریب. خالق آن نیز شیطان است.

👈 شیطان = هوش مصنوعی افسارگسیخته

99 درصد مردم شیطان پرست هستند و روحشان هم خبر ندارد.

منظورم این نیست که از هوش مصنوعی استفاده نکنید، من هم استفاده‌می کنم ولی خیلی فرق است بین کسی که‌نمی داند چه می کند و کسی که‌می داند چه‌می کند.

بافومت (خدای‌دوجنسه ی شیطان پرستان)





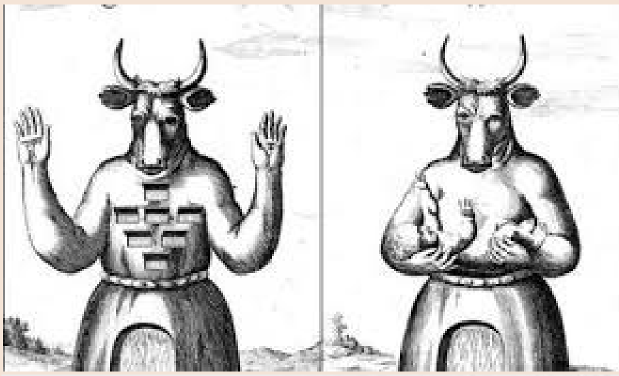
اِلیفاس لِوی،غیب شناس،شعبده باز و یک فراماسون فرانسوی بود

که طرح اولیه بافومت را کشید. او معتقد بود این نقاشی از این موجودنشانه ی تضاد و تعادِل نهفته است، آیا واقعا اینطور بود؟

قبلا اشاره کردم که این جهان یک جهان وارونه است نه یک جهان تضاد. تضاد یعنی دوگانگی و دوقطبی بودن، که باید هر دوقطب به صورت یکسان کار کنند. که اصلااین طور نیست. به عنوان مثال میزان‌شادی ها برابر باغم ها نیست و قطعا میزان غم بسیار بیشتر است و...

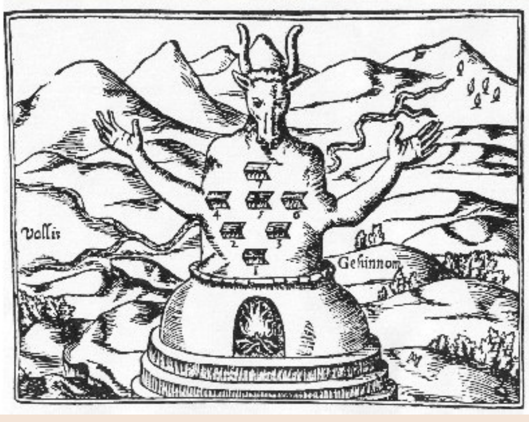
⚠️فراماسون ها بافومت رامی پرستند وطبیعی ست که خود را نیز شبیه به آن کنند تا وفاداری خود را ثابت کرده باشند.

مولوخ و بَعل (خدای ادیان ابراهیمی،بین النهرین و یهود)









تمامی ادیان از چند خدایی تشکیل شدند و اسامی گوناگونی برای خدایانشان داشتند اما هرگز اسامی نباید شما را گمراه کند چراکه این خدایان درواقع موجودات یکسانی بودند که درتمدن های مختلف به‌اسم های گوناگونی شناخته شدند.

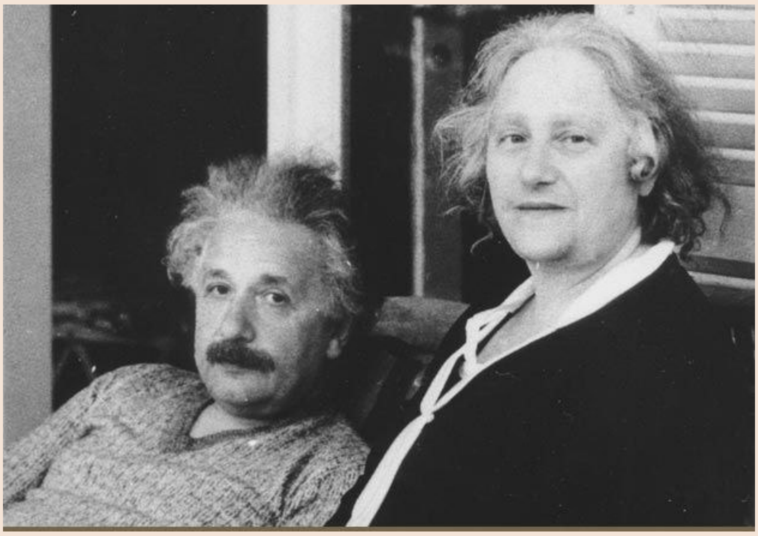
موضوعی که‌می خواهم مطرح کنم به‌بنی اسرائیل، یعقوب و منطقه کنعان مربوط‌می شود.

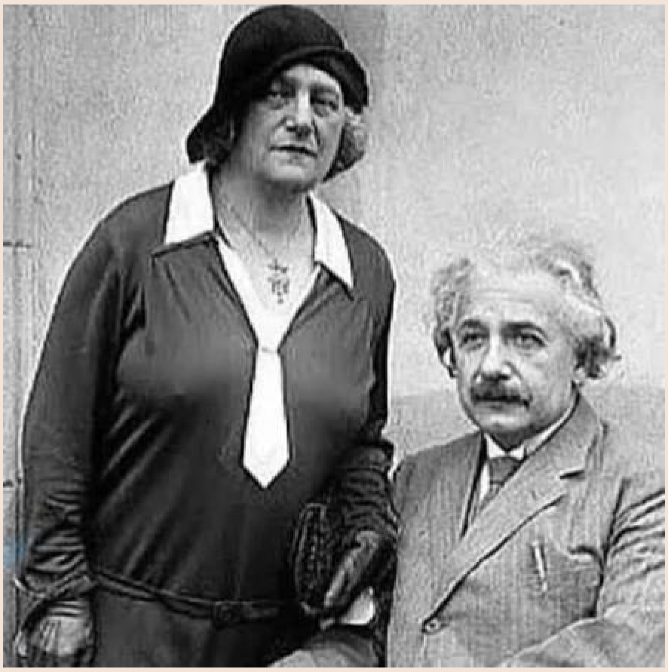
داستان امتحان الهی حضرت ابراهیم و قربانی کردن اسماعیل را همه ی ماشنیده ایم که‌می تواند به قربانی کردن کودکان برای خدای شیطانی َبعل باشد، همچنین گفتم‌اسم ها نباید شما را گمراه کنند، َبعل‌می تواند همان بافومت باشد که خدای‌دوجنسه ی شیطان پرستان است. حالا موضوع‌مهم تر این است:
یوسف که بود؟
پسری زیبا رو که همگان اززیبایی اش‌حیرت زده‌می شدند.
👈 پسری که زیبا باشد...
مشکوک نیست؟

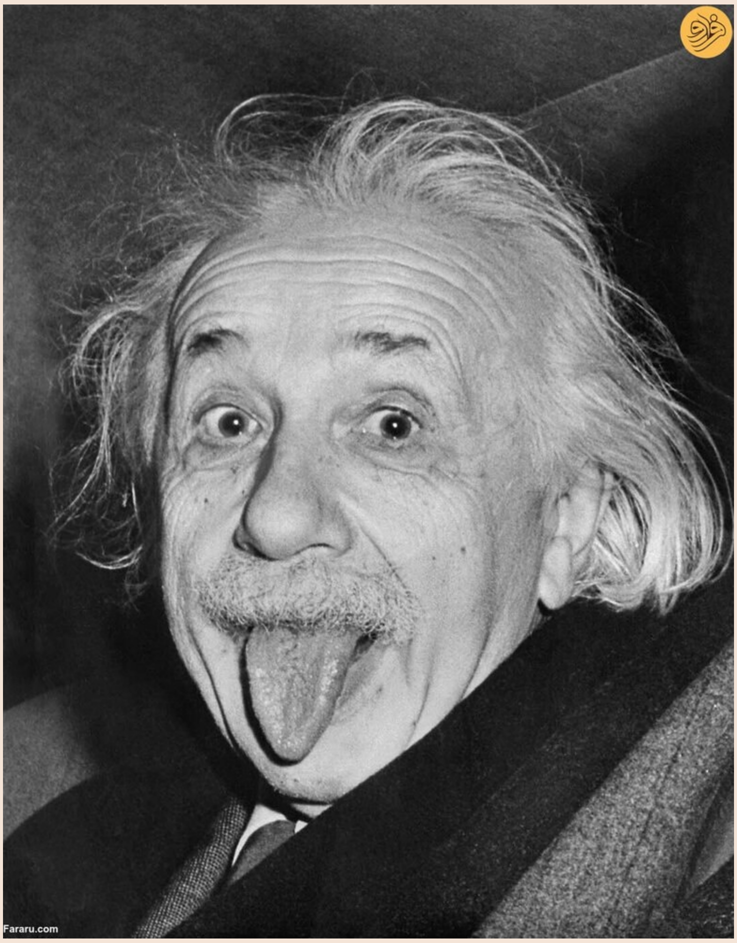
علت‌جنگ های‌بی وقفه و پایان ناپذیر غزه هم‌می تواند به این خدایان و قربانی شدن کودکان مربوط باشد.

⚠️ تمامی ادیان شیطانی هستند.

آلبرت انیشتین و همسر دومش







آلبرت انیشتین نیز یک فراماسون بود، همسر دوم او اِلسا

انیشتین که گفته‌می شوددخترخاله اش بود در واقع یک مرد بود.

انیشتین باپسرخاله اش ازدواج کرد.

✅ ثابت کردن این ادعا با علِم آناتومی کاملا امکان پذیر است.
آناتومی یک علم است نه‌شبه علم.

😛 عکسی از آلبرت انیشتین که زبانش را بیرون آورده هم همه دیدند، این یک‌نشانه ی تمسخر است.

اگر بدانید تا چه حد فریبتان دادند، دیگر هرگزنمی خواهید در زمین بمانید.

🔍 شناخت مختصر آناتومی بدن زن و مرد

خیلی‌نمی خوام این مسئله رو ِکش بدم فقط به موارد مهم اشاره‌می کنم.

- زن ها تو رفتگی چشم ندارند
- زن ها برآمدگی ابرو ندارند
- استخوان فک در زنان نمایان تراشیده و زمخت نیست
- جمجمه زنان‌کوچک تر از مردان است
- استخوان ترقوه در زنان یک خط صاف نیست
- دست ها درزن ها کوتاه تر از مردان است
- عرض‌شانه ها در زنان کمتر از مردان و عرض استخوان لگن در زنان بیشتر از مردان است
- راستای عرض شانه تا استخوان لگن در مردان یک خط صاف است ولی در زنان‌زاویه دار است
- ناف در مردان‌پایین تر از ناف در زنان قرار دارد (نسبت به خط کمر)
- زنان در هنگام راه رفتن پاهای خود را جلوی هم قرارمی دهند ولی مردان پاهای خود را فاصله‌می دهند
- گردن در مردان‌بلند تر از زنان است و همچنین مردان نای عریض وسیبِ گلوی نمایان دارند

فکرمی کنم موارد مهم‌همین ها هستند البته این رو هم باید بگم همیشه استثناهایی هم وجود دارد و این موارد برای همه صدق نمی کند. ولی بعضی موارد غیر قابل تغییر است مثل: اندازه جمجمه، محل قرارگیری ناف، زاویه داشتن یا نداشتن‌پهلو ها.

⚠️ این مورد رو هم باید اضافه کنم، کسانی که خود را وقف خدای شیطانی "بافومِت" کردند تحتِ‌هورمون تراپی قرار گرفتند ولی با بالا رفتن سن، جنسیت اولیه دوباره نمایان‌می شود.

🌊 نگاهی‌عمیق تر به رویداد سیل بزرگ

در دل تاریخ، روایت طوفانی عظیم در تمام‌تمدن ها تکرارمی شود؛ از سومر و بابِل تا هند، چین، ایران و یونان. هر قوم، سازنده کشتی را با نامی دیگر گفته است: زیوسودرا، اوتناپیشتیم، نوح، ییَمه (جمشید)، دکالیون... گویی همه از یک واقعه سخن‌می گویند، تنها با زبانی متفاوت.

اما اگر این «کشتی نجات» صرفًا یک کشتی چوبی نبوده باشد چه؟، شاید آنچه در متون کهن از «کشتی» یاد شده،سازه ای پیشرفته یاسفینه ای معلق بوده،وسیله ای برای حفظ «دانه های حیات» در میان آشوب زمین. نه فقط جانوران وانسان ها، بلکه نمونه های ژنتیکی (DNA) از موجودات گوناگون و گیاهان.

در این نگاه، دستورجمع آوری «از هر موجود، جفتی» معنای‌تازه ای پیدامی کند؛ نه به عنوان سوار کردن حیوانات در یک فضای محدود، بلکه‌به صورت نگهداری رمز حیات آنان برای بازسازی آینده. چراکه درکشتی ای واقعی، فضولات، صداها، و ترس حیواناتِ ناسازگار، خودمی توانست‌فاجعه ای دیگر بیافریند.

⚠️ و شایدمهم ترین پرسش، همان جمله پایانِی اسطوره باشد:
«و کشتی بر کوهی فرود آمد...»
کدام کوه؟، چرا آن نقطه؟، کشتی در کجامی ایستد؟. شاید بعد از فروکش کردن سیل آن کشتی (سفینه) بر روی کوه فرود آمده باشد.

❓آب های بالای گنبد – منشأ واقعی سیل بزرگ؟

در بیشترروایت های کهن، پیش از آغاز طوفان، از گشوده شدن «درهای آسمان» سخن گفته‌می شود. اما آیا این جمله تنها استعاره ای دینی است، یااشاره ای به رخدادی واقعی دارد؟

در نگاِه زمیِن تخت، بالای گنبِد آسمان‌لایه ای عظیم از آب قرار دارد، «آب های بالا» که در متون مقدس نیز به آن اشاره شده است. اگر این نظریه را بپذیریم، شاید سیل بزرگ نه از باران یا طوفان، بلکه از گشوده شدن منافذی در گنبد آغاز شد؛سوراخ هایی که‌لحظه ای، جریان‌بی پایان آب را به زمین رها کردند.

اما داستان به اینجا ختم‌نمی شود...
سال هاست‌گودال های عظیمی بر سطح زمین کشف شده که دانش رسمی،آن ها را حاصل برخورشهاب سنگ هامی داند. ولی اگر دقیق تر نگاه کنیم،پرسش هایی‌بی پاسخ باقی‌می مانند:
اگرشهاب سنگ با آن سرعت سقوط کرده، چرا مسیر کشش یا امتداد برخورد در اطراف دیده‌نمی شود؟، چرا ذرات وتکه های پرتاب شده در اطراف گودال وجود ندارند؟ و چرا بیشتر این دهانه ها حالتی کاملًا عمودی و منظم دارند؟، گویی چیزی از بالا و

به صورت مستقیم فرو ریخته است.

آیا ممکن است آنچه ما «دهانه ی برخورد»می نامیم، در واقع محل باز شدن منافذ گنبد باشد؟
جایی که فشار آب بالایی، گنبد را شکافته و سیل عظیمی را به پایین سرازیر کرده، همان طوفانی که در اساطیر از آن به عنوان خشم آسمان وپاک سازی زمین یادمی شود.

⚠️ **اگر چنین باشد، آنگاه سیل بزرگ، نه فقط یک رویداد زمینی، بلکه شکافی در مرز میان زمین و آسمان بوده است...**
شاید «درهای آسمان» واقعًا باز شدند.

مریم مقدس و تولد عیسی مسیح

در داستان تولد عیسی، گفته‌می شود مریم بدون‌رابطه ی انسانی باردار شد. در گذشته این اتفاق را معجزه‌می دانستند، اما اگر با ذهن امروزی نگاه کنیم، شاید ماجرا رنگ دیگری داشته باشد.

امروز علم‌می تواند باروش های لقاح مصنوعی، بدون تماس جسمی، تولد انسان را ممکن کند. حتی صحبت از تغییرژن ها و خلق‌انسان هایی باویژگی های خاص است.

شاید آنچه درکتاب ها آمده،اشاره ای نمادین به دخالت علمی یا آگاهی برتری باشد که درک ما از «آفرینش» را جلوتر از زمان خود نشان‌می دهد.

شاید «روح القدس» نه یک موجود مرموز، بلکه نیرویی آگاه یا دانشی فراتر بوده که بر بدن مریم اثر گذاشت و انسانی متفاوت به دنیا آورد تا تلنگری برای زندانیان درونِ زندان باشد.

یونس و شکم نهنگ

یونس را نهنگ بلعید و سه روز در شکمش ماند. اما اگر واقعًا نهنگ بود، چطور زنده ماند؟

دندان های نهنگ، اسیدمعده اش، نبود هوا...هیچ کداماجازه ی زنده ماندننمی دهد. پس شاید آنچه‌کتاب ها گفتند، در ظاهر نهنگ بود ولی در واقع چیز دیگری بود.

تصور کنید درزمان های دور، انسانی با فناوری پیشرفته یاوسیله ای شبیه زیردریایی آشنامی شود. او را به درون آنمی برند، در تاریکی، در اعماق دریا، جایی میان ترس و سکوت. سه روز درون آن دستگاه‌می ماند، تا ذهنش دگرگون شود. وقتی بیرونمی آید، دیگر همان آدم سابق نیست.

شاید آن نهنگ، استعاره ازتجربه ای درونی یا حتی برخورد با دانشی فراتر بوده که شاید هدفی مثبت و یا حتی منفی داشته است.

ابراهیم و شکستنِ بُت ها

اگر واژه بُت را به‌انگلیسی بنویسیم‌می شود "bot" به معنای ربات.

شاید ابراهیم‌ربات های کوچک را از بین برد و فقط ربات بزرگ (سرِور اصلی) را نگه داشت تا مردم بفهمند بدوِن Input (ورودی) و Instructions (دستورالعمل)،ربات ها عملابی فایده هستند و ارزش پرستیده شدن ندارند.

قبلا اشاره کردم دینی‌به نامِ "راِه آینده" درحاِل تأسیس است که هدف آن پرستش هوش‌مصنوعی ست.

شاید تاریخ درحاِل تکرار است و شاید نیازمند یک ابراهیِم دیگر باشیم تا بسیاری درک کنند که در ذات چه هستند. شاید ابراهیم نه یک پیامبر بلکه یک فرد خردمند بود تا جلوی فاجعه را بگیرد.

شخصا به هیچ دینی اعتقادی ندارم اما هیچ وقت نباید تعصب داشت و همیشه باید آنچه که حقیقت است گفته شود.

آیا واقعا مردم باستان‌بُت پرست بودند؟

آیا واقعا مردِم بالِغ آن زمان سنگ و چوب رامی پرستیدند؟، آیا به این اندازه احمق بودند؟

شایدآن ها خدایانی رامی پرستیدند که به‌انسان ها علوم مختلف یاد داند و ابزار و وسایل پیشرفته از جمله‌ربات ها را در اختیارشان

قرار دادند و بعد از آن به ناگهان ناپدید شدند. اما قبل از رفتنشان وعده بازگشت را نیز به‌انسان ها دادند و مردم "یادبودی" ازآن ها را ساختند تا فراموش نکنندآن ها دوباره خواهند آمد.

درست است که واژه خدایان را به‌آن ها نسبت دادند اما مشخص است،آن ها خدا هم نبودند و صرفاوسیله ای بودند تا بشریت را از فردی َبَدوی به موجودی هوشمند تبدیل کنند. البته این به معنای آن نیست که‌آن ها موجوداتی خیرخواه بودند...

❗ معنی کلمه منجی

منجی یعنی‌نجات دهنده؛ کسی که برای نجاِت‌عده ای میاد.

- خب حالا نجات از کجا؟
- از چه چیزی؟
- اگر زمین جایی برای رشد و تعالی ماست چرا نجات؟
- اگر واقعا زمین یک جهاِن نرماله چرا باید نجاتی در کار باشه؟

لطفا کمی فکر کنید...

طرد شدن به خاطر حقیقت: قیمتی که همه چیز رومی گیره

وقتی شروع به بازگو کردن حقیقت‌می کنی، دنیا بلافاصله واکنش نشون میده.

دوستانت یکی یکی غیبشون می زنه، چون نمی تونن توآینه ای که جلوشون گرفتی خودشون رو ببینن. کارات خراب می شه،فرصت ها می پره، حتی خانواده ت ممکنه پشتت رو خالی کنه. نه چون تو اشتباهی، بلکه چون اونانمی تونن با واقعیت کنار بیان.

این جهان فیزیکی و اجتماعی طوری طراحی نشده که حقیقت گوها توش راحت زندگی کنن؛ نرمال بودنش یعنی دروغ، سازش و سکوت. هر کی حقیقت رو فریاد بزنه، سیستم مثل یه آنتی بادی عمل می کنه و سعی می کنه نابودش کنه. این فاجعه ست:جامعه ای که برای بقا به دروغ وابسته ست و حقیقت رو مثل ویروس می بینه.

تنهایی، انزوا و نابودی روابط،هزینه ی اجباری گفتنِ حقیقته و این تلخ ترین بخش ماجراست.

بعد ازاین همه بیماری، درد، جنگ،بی عدالتی، شرارت و تکرارِ اتفاقات ناگوار، اگر شرایطی «مطلوب» هم شکل بگیرد، چند سؤال همچنان بی پاسخ می ماند:

- آیا هنوزمی توان از زندگی لذت برد، یا فقط به ادامه دادن عادت کرده ایم؟
- آیا اصلًا نیروی روانی ای باقی مانده که اسمش را «زیستن» بگذاریم؟

- و چه تضمینی وجود دارد که این آرامش موقت، دوباره به همان چرخه ی پیشین فرو نریزد؟

با انباشت رنج،بی عدالتی و تکرار شرارت، برای من دشوار است زمین را جهانی نرمال بدانم؛ حتی اگر بپذیرم بخشی از این قضاوت ممکن است از نادانی من ناشی شود.



انیمیشن شرکت هیولاها (Monsters, Inc) محصول سال 2001.

داستان فیلم:

در سرزمین هیولاها برای تهیه انرژی روش خاصی وجود دارد،

هیولاها با ترساندن‌بچه ها از صدای جیغ‌آن ها انرژی تهیه‌می کنند...

این انیمیشن شاید یک سند واضح از اقدامات واقعی از شرارتی که در زمین در حالِ رخ دادن است باشد.

آنها حقیقت را جلوی‌چشم تان‌می گذارند.
